

افغانستان: مأموریت امروز - دشواری دیروز

نظری بر متن مسأله

بادر نظر داشت این واقعیت که در بحث ارتباطات و مناسبات بین المللی، در حالیکه بازیکنان عرصه معینی در حالت و وضعیت ثابتی باقی میمانند (با وجود تغییر و تبدیل نسبی بعضی از آنها)، وسایل نیل به هدف، همیش در حال گوناگونی بوده و شرایط و نحوه موضعگیری مهره های موجود در این مناسبات، چگونگی دستیابی به اهداف تعیین شده را معین و مشخص میسازد. ارتباط مسائل امنیتی و سیر حوادث در کشور، ذکر این مطلب ضروری بنظر میرسد که چندی قبل فعالیتهای جنگی و محاربوی قوای «ائتلاف» در افغانستان به پایان رسید. آیا دستیابی با اهداف تعیین شده توسط نیروهای «ائتلاف» در افغانستان میسر گردید و یا اینکه اهداف تعیین شده بجایش باقی و هدف و مقصود دیگری مطرح بحث قرار گرفت؟ اگر چنین امری اتفاق افتاده و یا در شرف تکوین باشد، اینرا سیاست «از یک شاخه به شاخه دیگر پریدن» گویند، این احتمال، همزمان با آغاز ماموریتی از نوع دیگر در کشور ما مشخص شده است. اندکی به سالهای قبل برمیگردیم:

بسال ۲۰۱۴ در افغانستان، انتخابات ریاست جمهوری تکوین پذیرفت، اما حاکمیت جدید انتخابی با کوهی از مشکلات و معضلات مواجه میبشد، با معضلات و مشکلاتی که روز تا روز به ابعاد آن افزون بعمل میآید. بر علاوه، در این عرصه بازیکنان جدید یا عرض وجود نموده و یا در حال ظهور و پیدایش میباشند. عده ای از این بازیگران جدید عرصه قبلی، نه تنها عامل بی ثبات کردن اوضاع در داخل کشور پنداشته میشوند، بلکه در صدد برهم زدن توازن موجود اما بسیار شکننده در سلسله کشورهای آسیای میانه نیز میباشند. با اینحال، جد و جهد قدرتهای منطقوی و سازمانهای مربوطه، ممکن بمتابه پلاتفورم مشترک هماهنگی تلاشها و همکاری متقابل بمنظور تأمین امنیت و اعاده صلح و ثبات در کشور ما محسوب گردد.

در این اواخر کشورهای روسیه، چین و کشورهای آسیای میانه توجه بیشتر شانرا به مسائل افغانستان متمرکز نموده اند. این کاملاً واضح و قابل فهم میبشد که امنیت منطقوی، بصورت مستقیم با شکل گیری وضعیت در افغانستان مرتبط میبشد، اما نباید فراموش نمود که پس از گذشت سالهای نهایت دشوار، درهم و برهمی اوضاع و موجودیت مشکلات و تناقضات در کشور واقعاً، بسیار پیچیده و گیج کننده میبشد. حل و فصل آنها معضلات و با جاذبه هاییکه افغانستان و مسائل مربوط به کشور ما در منطقه دارد، مسأله نهایت حساس بوده و در منطقه آسیای میانه به موضوع منحصر بفردی مبدل گردیده است.

با در نظر داشت همین موضوع، مسأله همکاری منطقوی در مسائل مطروحه در جلسات سازمانهای منطقوی از قبیل سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان همکاری شانگهای، مورد غور و بررسی قرار داده شد. قابل یادآوری میباشد که روسیه با داشتن نماینده در سازمانهای یادشده و چین با برخوردار بودن از سرمایه مادی قابل توجه، از نقش مهمی در مسائل و موضوعات مربوط به منطقه ما برخوردار بوده و همچنان این مسأله را نباید فراموش نمود که امکان ادغام و ترکیب کلیه تلاشها و تفاهم نیروهای موجود در منطقه بمنظور حل و فصل قضایای مربوط به کشور ما، نیز عملاً موجود میباشد. پس از خروج بخشهای اساسی نیروهای امریکایی و ختم رسمی جنگ ایالات متحده در افغانستان، توازن نیروهای سیاسی در منطقه بصورت یک کل با نحوه و چگونگی سیر وضعیت داخلی سیاسی افغانستان ارتباط دارد.

با مطرح بودن شکنندگیهایی در کلیت سیستم دولتمداری در آسیای میانه، بصورت یک کل، بی ثباتی روابط قومی و موجودیت مشکلات و معضلات اقتصادی، فساد گسترده و همچنین موجودیت قوی روابط قبیله‌ای، با وسائل، امکانات و افراد و اشخاص موجود و همراه با قوای ناتو، در عمل و بصورت موثر، به مشکل بتوان با خطرات بنیادگرایی و تهدیدات تروریستی در منطقه به مقابله و مبارزه پرداخت.

همکاریهای چند جانبه منطقوی

در اینباره قابل تذکار میباشد که همکاری و تساند بر بنیاد و اساس منطقوی، بگمان اغلب که در چند جهت سیر نماید:

مسیر نخست - واکنش تروریسم، مهاجرت‌های غیرقانونی و نفوذ دهشتگران بنیادگرا از سرزمین افغانستان به کشورهای آسیای میانه، طبعاً تهدیدهای امنیتی و اصل بی ثباتی را در کشورهای یادشده باخود بهمراه خواهد داشت. در منطقه متذکره، نیروها و بنیادهایی موجود اند که از توانایی و ظرفیت انجام گفتگوها بمنظور عادی ساختن اوضاع، برخوردار میباشند. از جمله سازمان پیمان امنیت جمعی که خود از امکانات و وسائل لازم در عرصه تشریک مساعی، انسجام فعالیتهای و اقدامات علیه نقل و انتقال مواد مخدر، در زمینه بهره میبرد.

در ملاقات و گفتگوهای وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی (که در ماه اپریل سالروان در شهر دوشنبه صورت گرفت)، درباره تطبیق عملی فیصله نامه « ارائه کمک به جمهوری تاجیکستان بمنظور تحکیم سرحداتش با افغانستان»، فیصله بعمل آمد تا تاجیکستان با سلاح و تجهیزات مدرن، و وسائل نقلیه مورد ضرورت و دیگر وسائل مورد نیاز حفاظت از مرز مجهز گردند.

در اقدام بعدی، بمنظور ترتیب و سر و سامان دادن به امور سرحدی افغان - تاجیک، فیصله بعمل آمد تا انجام فعالیتهای مشترک بین الحکومتی در دست اجرا گذاشته شود. با توجه به اوضاع بی ثبات امنیتی در افغانستان، کشورهای عضو سازمان امنیت جمعی در صدد آن میباشند تا مانع بزرگ و عمده ایی بر سر راه عبور دهشتگران از کشور همسایه به سرزمینهایشان ایجاد و راههای نیل باین مأمول را بیش از پیش مورد دقت و بررسی قرار داده تا از نفوذ بنیادگرایان در عمق منطقه آسیای میانه جلوگیری بعمل آورند. کشورهای عضو سازمان متذکره در مورد ارائه کمکها و معاونت‌های بیشتر در زمینه های نظامی - تخنیکی به نیروهای مرزی تاجیکستان، تأکید بعمل آوردند. علاوه بر آن، در صورت تشدید بی ثباتی،

مطابق تقاضای دولت تاجیکستان، امکان دخالت واحد ۲۰۱ پایگاه نظامی روسیه که مدت موجودیت آن در سرزمین تاجیکستان الی سال ۲۰۴۲ تمدید حاصل نموده است، نیز عملاً موجود میباشد. یادآور باید شد که در اواسط ماه می سالروان، استقرار نیروهای نظامی و قطعات مربوط به سازمان پیمان همکاری شانگهای در مرز افغان - تاجیک بمنظور انجام تعلیمات و تطبیقات نظامی که قوای هوایی نیز در آن سهم داشت، صورت گرفت که این خود، در مورد امکان بی نظمی ها و عدم استقرار وضعیت سرحد افغان - تاجیک، بمثابة هشدار تلقی گردید.

مسیر دوم - بکارگیری سازمان همکاریهای شانگهای

بتاریخ ۲۰ ماه می سالروان در کابل پروتوکل همکاری میان افغانستان و سازمان همکاری شانگهای در بخش مبارزه با دهشتگران و تجزیه طلبان، عقد گردید. یادآور باید شد که افغانستان در صدد آنست تا وضعیت و موقعیتش را از موقف ناظر بمثابة عضو اصلی سازمان همکاریهای شانگهای مبدل نماید. بتاريخ ۳۱ ماه می سالروان، چند هفته قبل از تدویر جلسات کاری سازمان یادشده در اوف، محصلین افغانی در شهر مزار شریف، طی گردهمایی، موضعگیری و موقف شانرا بمنظور دفاع و پشتیبانی از عضویت افغانستان در سازمان همکاریهای شانگهای، ابراز داشتند. رئیس جمهور افغانستان نیز در جلسات و گردهمایی های سازمان متذکره (مورخ ۹-۱۰ جولای سال ۲۰۱۵) شرکت ورزید.

نباید فراموش نمود که مجموعه کامل تضادهای موجود در مورد افغانستان، نهایت غامض و پیچیده بنظر میرسد، حل و فصل واقعیتهای ذکر شده در مورد، نباید دوجانبه و یا سه جانبه پنداشته شود، بلکه جلب علاقمندی نیروهای منطقوی را نیز باید مطمح نظر قرارداد، قابل یادآوریست که مسأله افغانستان در آسیای میانه از حساسیت معینی برخوردار میباشد.

باید توجه داشت که کشور چین، بمثابة یکی از جمله بزرگترین اعضای سازمان همکاری شانگهای، از ادامه گفتگوها میان نمایندگان دولت افغانستان و جنبش «طالبان» پشتیبانی نموده و از سهمگیری اش در این مذاکرات یادآوری بعمل آورد. دلیل علاقمندی چین به مذاکرات متذکره، قابل فهم میباشد: برای چین بمثابة یکی از بزرگترین و عمده ترین سرمایه گذار در طرحهای اقتصادی افغانستان و منطقه، مسأله دسترسی به صلح و امنیت در اولویت قرار دارد تا بتواند به بهره گیری از استخراج معادن نفت، مس و غیره در افغانستان مبادرت ورزد. از جانب دیگر، نگرانی چین از وضعیت منطقه سیکیانگ نیز قابل درک است که در صورت بی ثباتی اوضاع در افغانستان، ایجاد تشنجاتی در منطقه متذکره نیز متصور میباشد.

در نشست سازمان همکاری شانگهای در اوف، تصمیم گرفته شد تا روشهای راه اندازی معرفی عضویت هندوستان و پاکستان به سازمان متذکره که مدتی حیثیت ناظر را در آن سازمان بعهدہ داشتند، رویدست گرفته شود. حل و فصل قضایای اینچنینی در سطح منطقه از اهمیت معینی برخوردار میباشد، در مرحله نخست، این خود، گام بلندی در ملاقاتهای رو در روی نمایندگان هندوستان و پاکستان محسوب گردیده و در مرحله بعدی، ارزش و اعتبار سازمان یادشده را بمثابة سازمان با اعتبار منطقوی در بخش کمکهای اقتصادی و توازن سیاسی، ارتقا میبخشد.

باید متذکر گردید که در سازمان همکاری شانگهای، انبار بالقوه اتمی چهار قدرت (روسیه، چین، هندوستان و پاکستان)، عملاً موجود بوده و اجازه میدهد تا سازمان همکاری شانگهای ادعا نماید که نه

تنها از نقش یک سازمان قوی و نیرومند نظامی- سیاسی در منطقه، بلکه در جهان نیز برخوردار می‌باشد. •
بنابراین، در نهایت باید یادآور شد که سیاست در منطقه و خارج از آن، تحت تأثیر مستقیم جنبه های سیاست خارجی قرار خواهد داشت. •

سومین مسیر- گفتگو با پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)

مطابق گفته ها و اظهارات منشی عمومی ناتو، پس از بسرانجام رسیدن مأموریت «پشتیبانی قاطع» در افغانستان، ائتلاف نظامی - سیاسی بین المللی، مصروف ترتیب و تنظیم چوکات و چگونگی ادامه موجودیت خویش در افغانستان خواهد شد. • بخاطر داریم که در سال ۲۰۱۴، از پاکستان به ناتو این امکان را میسر ساخت تا به افتتاح نمایندگی منطقوی اش در تاشکند اقدام ورزد. • با وجود آنکه، بیشتر از این از پاکستان بمثابه عضو سازمان پیمان امنیت جمعی پنداشته نمیشود، اما حضور ناتو در این کشور ممکن به گفتگو با نمایندگان سازمان یادشده و به تحکیم بعدی مناسبات نظامی - سیاسی بیانجامد. •

میتوان انتظار داشت که غرب احتمالاً بارتباط موضوعگیری و موقف روسیه در قبال اکرائین، از همکاری با روسیه در مورد قضایای کشور ما اباً ورزیده و در صدد تطبیق سیاست منحصر بفردش در افغانستان مبادرت ورزد. • برای سایر کشورهای منطقه، مهمترین معضله این خواهد بود که با ختم مأموریت جنگی و یا غیر جنگی، آنها در نزدیکی کامل با خطر و تهدید از جانب سرزمین افغانستان مواجه خواهند گردید (مانند حمل و انتقال مواد مخدر، تحرکات مهاجران غیرقانونی، نفوذ جنگجویان به قلمرو جمهوریهای آسیای میانه و غیره). •

در ضمن، مأموریت جدید پیمان اتلانتیک شمالی(ناتو) تحت عنوان «پشتیبانی قاطع» در افغانستان از ماه جنوری سالروان آغاز گردیده که در آن بتعداد ۱۳۱۹۹ تن از نظامیان ۴۲ کشور شرکت می ورزند. • هدف مأموریت متذکره، پیشبرد تعلیم و تربیه نظامیان و نیروهای پولیس افغان، ارتقای مهارتهای محاروبی بمنظور مبارزه علیه فعالیتهای تروریستی و اعاده ثبات در کشور می‌باشد. •